

## تأملی بر تکالیف مأموران نیروی انتظامی به عنوان ضابط نظامی در مرحله تحقیقات مقدماتی

علی یکتا<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** مقنن در قانون آیین دادرسی جدید تکالیف متعددی از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی تا واپسین دقایق اجرای حکم بر عهده ضابطان نظامی قرار داده است. مأموران نیز همانند سایر در مقام ضابط نظامی در فرایند دادرسی، وظایف و تکالیفی را برعهده دارند. پژوهش حاضر در پی شناسایی نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن، در تحقق معیارهای دادرسی عادلانه ناشی از ایفای تکالیف مأموران نیروی انتظامی در مقام ضابط نظامی است.

**روش تحقیق:** این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای با مراجعه به قوانین حوزه دادرسی کیفری استفاده شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** آشنایی با تکالیف قانونی و حسن انجام وظیفه ضابطان اعم از ضابطان نظامی و به طریق اولی مأموران حفاظت اطلاعات، تکمیل کننده حلقه‌های زنجیره عدالت قضایی است و هرگونه خدشه به تکالیف ضابطان ممکن است موجب براءت مجرمان و یا محکومیت بی‌گناهان شود. گزارش به‌موقع جرم به دادسرا، جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم، توجه به حقوق دفاعی متهم (حق برخورداری از وکیل، مطلع‌نمودن خانواده متهمان و...) از جمله تکالیف ضابطان در مرحله تحقیقات مقدماتی هستند که اهتمام به آنها ضمن حرفه‌ای شدن رفتار ضابط، سبب حفظ حقوق اشخاص و جامعه می‌گردد و از اجرای هزینه‌های بعدی مانند اجرای مجازات و ... جلوگیری می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** تحقیقات مقدماتی، تکالیف، ضابطان نظامی، مأموران انتظامی.

#### مقدمه

ضابطان به عنوان نهاد کشف جرم، بازوی اجرایی دادرها و دادگاهها در انجام وظایفشان هستند. قانون، تکالیف زیادی برعهده ضابطان دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات را دربر می‌گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادرها، جلوگیری از امحاء دلایل و آثار جرم، ممانعت از فرار متهم، انجام دستورهای مقامهای قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود (خالقی، ۱۳۹۴: ۶۱).

با توجه به ماده ۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، رعایت ترتیبات و قواعد تحقیقات مقدماتی در مورد اقدامهای ضابطان دادگستری نیز ضرورت یافته است، از این رو، حق سکوت متهم و حقوق تابع آن به ضابطان نیز تسری پیدا خواهد کرد. آنچه مسلم است، پذیرش حق سکوت متهم به‌عنوان یکی از حقوق مهم دفاعی است که در مراحل مختلف رسیدگی کیفری و از جمله در فرایند بازجویی ضابطان دادگستری برای متهم به رسمیت شناخته شده و نشان از اصل برائت و فرض بی‌گناهی متهمان دارد (رجبی تاج‌امیر و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۹۳).

قانون جدید آیین دادرسی کیفری با رویکردهای جدید جرم‌شناسانه و توجه به اصول حقوق بشری از جمله به اصل دادرسی عادلانه اشاره کرده است که در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتباط تنگاتنگی با تکالیف ضابطان دادگستری قرار دارد (دانش‌ناری و زمردی، ۱۳۹۶: ۳۰).

یکی از طرقی که دادستان به وسیله آن از وقوع جرم در حوزه قضائی خود مطلع و مکلف به تعقیب آن می‌شود، گزارشی است که توسط ضابطان به او داده می‌شود. این گزارش باید دقیق باشد، چراکه پایه و اساس رسیدگی به پرونده کیفری با توجه به گزارش مذکور، صورت می‌گیرد. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضابط مقام اکتسابی فرض شده، به این معنا که صرف عضویت یک فرد در یک سازمان موجب نمی‌شود تا آن فرد ضابط دادگستری شناخته شود، بلکه ضابط محسوب شدن نیازمند طی دوره‌های آموزشی ویژه، کسب دانش و مهارت کافی و صلاحیت اخلاقی و دریافت کارت ویژه ضابط دادگستری است (وروائی و رضایی فرد، ۱۳۹۴: ۳) به دلیل تأثیر گزارش ضابطان بر نتیجه رسیدگی‌های قضایی، هرگونه خدشه به اعتبار این نتایج ممکن است موجب برائت مجرمان و یا محکومیت بی‌گناهان شود.

ضابطان از نخستین افرادی هستند که با شاک، بزه‌دیده و بزه‌کار روبه‌رو و به‌نوعی متصدی اصلی امور در مرحله تحقیقات مقدماتی، ضابطان هستند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن نسبت به قوانین قبلی ضمن دسته‌بندی ضابطان، تکالیف متعددی را برای آنان شمرده است. در این قانون برای نخستین بار مأموران انتظامی به عنوان ضابط شناخته شده‌اند. براین اساس، در این مقاله سعی شده به چند سؤال پاسخ داده شود؛ اول اینکه مأموران انتظامی در طیف کدام یک از ضابطان قرار دارند؟ دوم، قانون‌گذار چه تکالیفی را بر عهده مأموران مذکور قرار داده است؟ و در نهایت، ضمانت اجراهای تکالیف مورد بحث کدام‌اند؟

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری استفاده و اطلاعات مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

### **مبانی نظری: تعاریف و مفاهیم کلیدی**

**ضابط:** کلمه ضابط از ریشه ضبط گرفته شده و در لغت به معنای نگهدارنده، حفظ‌کننده،

والی و آن که شهری را از جانب سلطان اداره می‌کند است (دهخدا، ۱۳۳۷: ۵۸۳).

**ضابطان دادگستری:** مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.<sup>۱</sup>

**ضابطان نظامی:** مأمورانی هستند که بانظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقام‌های قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی‌شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیم‌های قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.<sup>۲</sup>

مفهوم ضابطان دادگستری در نظام حقوقی ایران از دیرباز وجود داشته و اصولاً براساس نص قانون، تعیین می‌شود. با برداشت از قوانین سابق آیین دادرسی کیفری، مفاهیم و دسته‌بندی ضابطان دادگستری دارای تغییرهایی بوده است. طبق ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی اسبق، مأموران تفتیش و کشف جرائم که اقدام‌های لازم را در خصوص جلوگیری از فرار متهم و پنهان‌شدن انجام می‌دادند، دادستان شهرستان و دادیاران او، بازپرس و کلانتران شهربانی و صاحب‌منصبان ژاندارمری سابق، ضابط محسوب می‌شدند.

بر اساس ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹ ضابطان دادگستری، مأمورانی بودند که بانظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیم‌های قضایی به موجب قانون اقدام و عبارت بودند از: ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲- رؤسا و معاونان زندان نسبت به امور زندانیان؛ ۳- مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محول؛ ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط‌بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند؛ ۵-

۱. ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲. ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳.

مقام‌ها و مأمورانی که به موجب قوانین خاص و در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

مقصود قانون‌گذار از ضابطان در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی سابق مبهم است. آیا با توجه به عبارت «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» کلیه مأموران نیروی انتظامی به عنوان ضابط دادگستری محسوب می‌شوند یا شخصیت حقوقی ناجا مورد خطاب است و در نتیجه شامل مأموران نیروی انتظامی نمی‌گردد (عباسلو، ۱۳۸۶: ۲۲).

در خصوص این مسئله و تشخیص مصادیق ضابطان، نظرات مختلفی از سوی حقوق‌دانان ارائه می‌شد (زراعت، ۱۳۸۶: ۸۵) بنابر نظر عده‌ای، فقط فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی و معاونان آنها به عنوان ضابط شمرده می‌شدند و سایر افراد مانند افسر نگهبان، نیروهای گشتی و سایر نیروها به عنوان ضابط تلقی نمی‌شدند و بنا به نظر دیگر، تمامی کارکنان نیروی انتظامی ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند. بلکه فقط فرماندهان پاسگاه‌های انتظامی و معاونان آنها چنین سمتی را دارا هستند. هرچند وظایفی که از طرف مراجع قضایی به فرماندهان یا معاونان پاسگاه واگذار می‌شود، قابل ارجاع به رده‌های پایین‌تر است و در این صورت این افراد نیز ضابط محسوب می‌شوند (مدنی، ۱۳۸۷: ۸۹).

تا اینکه قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی جدید مصوب ۱۳۹۲ تا حد زیادی به ابهام‌های قبلی پایان داد و ضابطان را با صراحت و دقت بیشتری مشخص کرد.  
ضابطان دادگستری عبارت‌اند از:<sup>۱</sup>

الف) ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند؛

ب) ضابطان خاص شامل مقام‌ها و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت، اطلاعات سازمان

اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

مقنن در ماده بالا، دسته اول ضابطان قضایی (ضابطان دادگستری) را به دو قسمت عام و خاص تقسیم کرده است. یکی از نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی کیفری جدید، تقسیم‌بندی ضابطان در مواد ۲۹ و ۶۰۳ به دو دسته ضابطان دادگستری (عام و خاص) و ضابطان نظامی است. در متون قوانین سابق، تصریح و یا اشاره‌ای پیرامون تلقی مأموران انتظامی، به عنوان ضابط وجود نداشت. در واقع قانون‌گذار با این تقسیم‌بندی به ابهام قبلی پایان داده است و در بند (ب) ماده ۶۰۳، مأموران انتظامی نیروهای مسلح را در چارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی، به عنوان ضابط نظامی محسوب کرده است. هرچند برخی از حقوق‌دانان، ضابطان نظامی را در زمره ضابطان خاص می‌دانند؛ اما به نظر می‌رسد ضابطان نظامی، دسته دومی از انواع ضابطان قضایی را تشکیل می‌دهند، زیرا اول اینکه قانون‌گذار در اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ (نه تنها همانند سایر مواد اصلاحی)، ضابطان اخیر را در تقسیم‌بندی ماده ۲۹ قرار نداده است، بلکه در فصلی مجزا (مواد ۶۰۲ و ۶۰۳) به تعریف و ذکر مصادیق ضابطان نظامی پرداخته است. در ثانی، مقنن در مواد ۶۰۵ و ۶۱۲ ق.آ.د.ک اصطلاح «ضابط نظامی» را در برابر «ضابط دادگستری» به کار برده است؛ بنابراین، ضابطان نظامی دسته دومی از ضابطان و با تکالیف و شرح وظایف مشخص هستند و نباید آنها را از مصادیق ضابطان خاص دادگستری دانست.

### تکالیف مأموران در مقام ضابط نظامی

طبق ماده ۶۱۲ قانون مذکور ضابطان نظامی علاوه بر تکالیف اختصاصی مورد اشاره در فصل مربوط به ضابطان نظامی (مواد ۶۰۲ تا ۶۱۳)؛ سایر وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های ضابطان دادگستری، در محدوده صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی را نیز برعهده دارند؛ بنابراین، در مواد مختلف قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب

۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن، تکالیف متعدد و مهمی برای مأموران نیروی انتظامی در مقام ضابط نظامی، به خصوص در مرحله تحقیقات مقدماتی، اختصاص یافته است که در ادامه بحث به آنها و در خاتمه به ضمانت اجراهای ناشی از رعایت نکردن تکالیف موصوف، پرداخته می‌شود.

### ۱- تکالیف در مرحله کشف جرم

کشف جرم نخستین و یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند دادرسی کیفری است، زیرا تا جرمی کشف نشود چرخه عدالت کیفری به حرکت در نخواهد آمد و مجرم مجازات نخواهد شد از طرف دیگر کشف نشدن جرم موجب تجری مجرم و دیگران شده و این امر در افزایش چشمگیر تعداد جرائم و نارضایتی جامعه از عملکرد دستگاه‌های حکومتی را در پی خواهد داشت (موسوی‌مقدم، ۱۳۸۵: ۷۵).

گاهی در تحقیقات برای کشف جرم، اقدام‌هایی از قبیل گماردن مأموران مراقبت، تحقیق از شهود و ناظران صحنه جرم، انجام آزمایش‌های علمی و پزشکی، جلب نظر کارشناس و... لازم است. در برخی موارد هم برای کشف جرم، نه تنها اقدام‌های بالا کافی نیست بلکه لازم است ضابط اقدام‌های شدیدتری که چه بسا منجر به سلب آزادی اشخاص گردد، مبادرت ورزد از قبیل توقیف افراد، تفتیش منازل و... که در تمام این موارد ضابطان باید به وظایف و تکالیف خود آشنا باشند تا موجب تعرض غیرقانونی به حقوق اشخاص نشوند.

### ۲- تکالیف پس از اطلاع از وقوع جرم

اطلاع ضابطان نظامی از وقوع جرم نقطه آغاز به جریان افتادن فرایند کیفری است. اطلاع ضابطان از وقوع جرم به یکی از طرق زیر است:

الف) مشاهده شخصی؛

ب) دریافت دستور از مقام‌های قضایی؛

پ) اعلام اشخاص و مقام‌هایی که در صورت مشاهده جرم تکلیف دارند آن را

گزارش کنند؛

ت) گزارش افرادی که در تسلیم گزارش به مقام ذی ربط تکلیفی ندارند اما با انگیزه‌های متفاوت به این کار اقدام می‌کنند؛

ث) دریافت دستور از سلسله مراتب؛

ج) دریافت شکایت حضوری یا با واسطه؛ (صادق‌منش، ۱۳۹۷: ۷۸).

اعلام شکایت بزه‌دیده و رویارویی با شاکی فرصتی برای گردآوری دلایل و آثار جرم به صورت فوری (با هماهنگی مقام قضایی) است. در این‌باره گفتنی است که شاکی و مدعی خصوصی می‌توانند شخصاً یا توسط وکیل خویش اعلام شکایت کنند. بر این اساس، ضابطان مکلف به پذیرش شکایت در همه وقت به صورت کتبی و شفاهی هستند. شکایت شفاهی باید در صورت مجلس قید و به امضای شاکی برسد. اگر شاکی سواد نداشته باشد یا نتواند امضا کند، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود. ضابطان طبق قسمت اخیر ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موظف‌اند شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کنند و مکلف‌اند پس از دریافت شکایت به شاکی رسید تحویل دهند و با قید فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند. در مواردی که کسب اطلاع از وقوع جرم از طریق شکایت اشخاص است، حتی‌المقدور باید تلاش شود شکوائیه حاوی اطلاعات لازم (مورد اشاره در ماده ۶۸ قانون مذکور) برای پیگیری‌های بعدی باشد.

از جمله تکالیف دیگر ضابطان در این مرحله، آگاه‌کردن شاکی از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی به استناد ماده ۳۸ قانون یادشده است.

تکلیف دیگر ضابطان، طبق ماده ۳۹؛ ذکر اظهارات شاکی در مورد ضرر و زیان وارده در گزارش خود به مراجع قضایی است.

### ۳- تکالیف در جلوگیری از امحای آثار و دلایل جرم و فرار متهم

جلوگیری از نابودی یا امحای آثار و دلایل ارتکاب جرم توسط مرتکب یا هر شخص دیگری و نیز جلوگیری از فرار او یکی از گام‌های اساسی احراز و اجرای



عدالت کیفری است که موجب تعیین تکلیف دقیق و به‌موقع پرونده کیفری در مراجع قضایی می‌شود.

در هر صورت ضابطان قضایی همین گام اساسی را نیز بدون دستور مقام قضایی نمی‌توانند اجرا کنند. ولی پذیرش این ممنوعیت به‌طور کلی می‌تواند در برخی از موارد مانع بزرگی در اجرای تکالیف ضابطان نظامی باشد. قانون‌گذار برای حل تعارض بین دو مصلحت، یعنی خودداری از دخالت بی‌مورد ضابطان در امور کیفری از یک‌سو و ضرورت حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم از سوی دیگر؛ راه بینابینی را برگزیده و در موارد محدودی که احتمال از بین رفتن دلایل، آثار و فرار متهم جدی بوده و اقدام فوری در این زمینه ضرورت می‌یابد، اجازه داده است که ضابطان پیش از دستور مقام قضایی در این خصوص تکالیف خود را انجام دهند این موارد عبارت‌اند از:

جرم مشهود به دلیل ویژگی‌هایی که دارد از اهمیت قضایی خاصی برخوردار است و عمده‌ترین ویژگی‌های این قبیل از جرائم عبارت‌اند از اینکه؛ اول اینکه جرم مشهود، در منظر و دید عموم واقع می‌شود جمع‌آوری ادله و رسیدگی به آن به مراتب آسان‌تر از جرائم غیرمشهود است. در ثانی به دلیل وجود دلایل انتساب جرم به متهم و وجود آلات و ادوات آن در صحنه جرم، موجب سرعت و دقت در رسیدگی شده و اشتباه قضایی در آن کمتر است؛ بنابراین، در خصوص جرائم مشهود، طبق ماده ۴۶ این قانون، قانون‌گذار نه‌تنها به ضابطان اجازه داده بلکه آنان را مکلف کرده است تا زمانی که مقام قضایی مداخله نکرده، برای جلوگیری از فرار متهم و امحای آثار جرم و دلایل و مدارک اثبات آن، کلیه اقدام‌های لازم را انجام دهند و ضمن اطلاع فوری مراتب به دادستان، هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم بدانند به‌عمل آورند و در نهایت صورت‌مجلس تنظیم شده را به مقام قضایی ارسال کنند.

همچنین در ماده ۴۶ ق.آ.د.ک قانون‌گذار ضابطان را مکلف کرده چنانچه برای تحقیقات، نگهداری متهم ضروری باشد موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور مکتوب به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای گرفتن تصمیم قانونی به اطلاع

دادستان برسانند. قابل ذکر است با توجه به صدر و ذیل ماده ۴۶ اصل بر ممنوعیت نگهداری و متهم دستگیر شده به صورت تحت نظر حتی در جرائم مشهود است و تنها استثنای آن همان است که در قسمت اخیر ماده ذکر شده که به آن اشاره شد.

#### ۴- تکالیف ضابطان نظامی در زمان تحت نظر قرار دادن متهم

ضابطان در قبال اشخاصی که تحت نظر قرار می‌دهند تکالیفی دارند که بیشتر با جنبه حمایتی از متهم و با تأسی از موازین حقوق بشر، ناظر بر رعایت حقوق متهم تحت نظر است. طبق ماده ۴۹ ق.آ.د.ک، ضابطان مکلف‌اند به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، نشانی، شغل و علت تحت نظر قرار گرفتن وی به هر طریق ممکن را به دادسرای محل اعلام کنند.

این ماده حاوی بیان تکالیف ضابطان به اعلام مشخصات تحت نظر به دادسرا و حق بستگان وی برای اطلاع یافتن از وضعیت ایشان است. با این حال با توجه به ماده ۷ قانون مذکور این امر مسقط تکلیف ضابطان به اطلاع‌دادن به خانواده فرد دستگیر شده مذکور در بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی نیست (خالقی، ۱۳۹۷: ۸۵).

همچنین اگر متهم خارج از وقت اداری تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت به دادستان یا قاضی کشیک اعلام گردد (ماده ۴۷ ق.آ.د.ک) چند نکته مهم در این ماده مطرح است. نکته اول این که ماده مزبور مفهوم مخالف ندارد؛ یعنی اگر ضابط در وقت اداری نیز شخصی را به یکی از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار داد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب را به دادستان یا یکی از معاونان او اطلاع دهد. نکته دوم اینکه اعلام به دادسرا به هر طریق ممکن اعم از؛ دورنگار، پیامک، پست الکترونیکی یا حضوری در دادسرا باید صورت گیرد. آنچه مهم است اطلاع‌رسانی در ظرف مقرر (حداکثر یک ساعت) است.

نکته سوم این که اثبات اعلام مراتب (حداکثر ظرف یک ساعت)، به دادسرا، بر عهده ضابط قضایی است؛ بنابراین، اگر بین دادستان یا قاضی کشیک و ضابط قضایی اختلاف در اعلام مراتب وجود داشته باشد، اثبات اعلام مراتب به طرق اشاره شده در

زمره وظایف ضابط است. ذکر این نکته ضروری است که ضابط فقط در دو حالت، اول جرائم مشهود و دوم به دستور مقام قضایی از طریق صدور برگ جلب، می‌تواند اشخاص را تحت نظر قرار دهد.

نکته چهارم این است که؛ ضابط در جرائم غیرمشهود، خواه در وقت اداری یا غیر آن به هیچ وجه، بدون حکم کتبی و صریح مقام قضایی، حق تحت نظر قرار دادن اشخاص را ندارد. بدیهی است تحت نظر قرار دادن غیرقانونی اشخاص می‌تواند از جمله مصادیق توقیف غیرقانونی تلقی و ضابط قضایی را موضوع تعقیب کیفری قرار دهد (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۵: ۱۳).

یکی از نکته‌های برجسته قانون آیین دادرسی کیفری در مورد حقوق متهم تحت نظر، شناسایی حق ملاقات او با وکیل در این مرحله در ماده ۴۸ است. اگرچه در این ماده تکلیفی برای ضابطان تصریح نشده است؛ اما تکالیف ضابطان به رعایت این حق از مواد ۶، ۵۲ و ۶۱ همین قانون استنباط می‌شود.

از تکالیف دیگر ضابطان نسبت به شخص تحت نظر طبق ماده ۵۰ مساعدت به وی برای آگاه کردن افراد خانواده و آشنایان خود از تحت نظر بودن به هر وسیله ممکن است. در نظام دادرسی منصفانه به محض اینکه شخصی بر اساس ادله قابل قبول تحت تعقیب قرار گرفت و آزادی وی سلب شد، حق دارد که افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر قرار گرفتن خود در مرجع انتظامی یا قضایی مطلع سازد. این حق نه تنها از حیث حقوق فردی، بلکه به لحاظ تأمین آرامش و آسایش خانواده یا آشنایان شخص تحت نظر، به عنوان حقی اجتماعی واجد ارزش فراوان است. این امر موجب جلب اعتماد شهروندان نسبت به دستگاه عدالت کیفری است؛ زیرا اطلاع ندادن بستگان یا آشنایان از وضعیت نزدیکان خود، اگرچه به مدت کوتاهی باشد، موجب تشتت فکر و تشویش خاطر آنهاست.

ماده بالا برقراری تماس تلفنی و مکالمه توسط خود متهم را پیش‌بینی کرده نه توسط ضابطان. در صورت تشخیص ضابطان مبنی بر ضرورت جلوگیری از اطلاعات

دادن متهم به خانواده یا آشنایان خود به دلایلی همچون جلوگیری از روند تحقیقات (به عنوان مثال فرار یا مخفی شدن شرکا و معاونان احتمالی متهم یا از بین بردن آثار و دلایل جرم)، ضابطان باید قبل از انقضای مدت تحت نظر، مراتب را برای کسب تکلیف به اطلاع دادستان برسانند.

یکی دیگر از حقوق مهمی که مقنن برای اشخاص تحت نظر برای نخستین بار در نظام دادرسی ایران مقرر کرده، حق معاینه پزشکی به شرح ماده ۵۱ ق.آ.د.ک است. فلسفه لحاظ حق مزبور برای اشخاص تحت نظر، تجربه تلخ واقعیت‌های تاریخی در اعمال تحقیقات جنایی توسط قضات و ضابطان است. این امر در سابقه تاریخی تحقیقات جنایی ثبت است که در مدتی طولانی از تاریخ بشریت و به ویژه در حکومت‌های دیکتاتوری دوران قرون وسطی در اروپا، اذیت و آزار جسمی و روحی متهمان در فرایند تحقیقات پلیسی امری عادی و قانونی بوده است. هرچند در متون مذهبی شکنجه متهمان امری مذموم و حرمت آن موضوعی مسلم و مفروغ‌عنه است، اما حتی در حکومت‌های مدعی مذهب اموی و عباسی نیز شکنجه متهمان امری رایج بوده است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۳: ۴۰).

از زمانی هم که حسب توصیه منابع مذهبی، اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها به همه حکومت‌ها توصیه اکید شده که از شکنجه متهمان در فرایند دادرسی خودداری کنند، همچنان تردیدی جدی برای تمکین به این منع انسانی وجود دارد. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بند ۷ ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مواد ۶۰ و ۱۹۵ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ هرگونه شکنجه جسمی و روحی متهمان را در فرایند تحقیقات منع کرده‌اند. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، شکنجه‌گر را قابل تعقیب کیفری دانسته و برای رفتار شکنجه جرم‌انگاری کرده است. ماده ۵۱ ق.آ.د.ک ۹۲ به منظور پیشگیری از اعمال شکنجه در تحقیقات پلیسی یا طرح ادعای آن از ناحیه اشخاص تحت نظر، مقرر کرده است که «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از

پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود».

نکته مهم دیگر این است که شخص تحت نظر یا بستگان نزدیک او می‌توانند قبل از بازجویی، درخواست معاینه پزشکی داشته باشند. در صورت این درخواست، ضابط و دادستان یا معاون او نمی‌تواند رسیدگی به درخواست را به زمان اثنای بازجویی و یا بعد از آن موکول کنند؛ زیرا فلسفه معاینه پزشکی اطمینان از صحت جسمی و روحی شخص تحت نظر برای پیشگیری از شکنجه توسط ضابط یا ادعای طرح آن توسط اشخاص تحت نظر است و چون اعمال آن نوعاً در شروع و اثنای بازجویی به عمل می‌آید، به تعویق انداختن آن پس از بازجویی نقض غرض محسوب می‌شود.

تأکید این نکته ضروری است که حق درخواست معاینه پزشکی فقط منحصر در زمان تحت نظر گرفتن اشخاص در جرائم مشهود نیست، بلکه هرگاه اشخاص به دستور مقام‌های قضایی برای انجام تحقیقات مقدماتی دستگیر شوند، در مدت تحت نظر می‌توانند از این حق و سایر حقوق اشخاص تحت نظر مندرج در قانون برای، استفاده کنند.

از جمله نوآوری‌های دیگر ق.آ.د.ک ۹۲ در مرحله تحقیقات پلیسی، لزوم تفهیم حقوق اشخاص تحت نظر است. طبق ماده ۵۲ «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

طبق ماده ۵۳ «ضابطان دادگستری مکلف‌اند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلف‌اند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند».

در جرائم غیرمشهود، ضابطان در اجرای دستور جلب در چارچوب ماده ۱۸۵ متهم مجلوب را می‌توانند با رعایت شرایط مقرر در قانون، حداکثر ۲۴ ساعت تا اول وقت اداری روز بعد تحت نظر نگه دارند نکته قابل ذکر اینکه، ضابطان حق تحقیق و بازرجویی از وی را ندارند مگر اینکه دستور از سوی مقام قضایی در این خصوص داشته باشند و به استناد تبصره ماده مذکور، ضابطان مکلف به رعایت حقوق مقرر در مواد ۴۹ تا ۵۳ برای شخص تحت نظر هستند.

علاوه بر آنچه که در خصوص تکالیف ضابطان اشاره شد در برخی از جرائم مهم نیز در صورتی که در غیاب دادستان یا بازپرس ممکن است علایم و آثار جرمی معدوم شود ضابطان قضایی قائم مقام بازپرس واقع شده و تکلیف دارند اقدام‌هایی را که فوریت دارد انجام دهد. در این زمینه ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند در جرائم منجر به سلب حیات صحنه جرم و محله کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس و صدور دستور لازم برای معاینه محل در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنها از محل جلوگیری کنند.»

### ضمانت اجرای بی‌توجهی به تکالیف قانونی ضابطان نظامی

نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر، ضابطان را در معرض محکومیت‌های کیفری، مدنی، انتظامی و بطلان تحقیقات آنها قرار می‌دهد. در این قسمت به اختصار هر یک از ضمانت اجراهای مزبور را توضیح می‌دهیم.

ماده ۷ ق.آ.د.ک ۹۲، علاوه بر ضمانت اجرای کیفری، به ضمانت اجرای مدنی تصریح کرده است. طبق این ماده «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و

مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.» ماده ۵۷۰ اخیرالذکر مقرر می‌دارد «هر یک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کند، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» مجازات مزبور حداقل ضمانت اجرای نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر از حیث سلب آزادی یا حقوق تصریح شده مقرر در قانون اساسی است؛ زیرا به موجب ماده ۷ ق.آ.د.ک در صورتی که نقض حقوق مزبور، مستوجب مجازات شدیدتری باشد، همان مجازات باید مورد حکم قرار گیرد.

به عنوان مثال، طبق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی هرگاه ضابط برای اینکه شخص تحت نظر را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی کند، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

از دیگر نوآوری‌های قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲، تعیین مصادیق تخلفات انتظامی ضابطان در فرایند دادرسی و واکنش قانون‌گذار در قبال نقض حقوق دفاعی، مستند به ماده ۶۳ این قانون با پیش‌بینی محکومیت از سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی، است. ناگفته نماند که تعیین یک نوع ضمانت اجرای انتظامی برای کلیه مصادیق تخلف که هر یک نسبت به دیگری می‌تواند از حیث آثار متفاوت باشد، قابل انتقاد است.

بی‌اعتباری تحقیقات پلیسی به‌علت نقض موازین دادرسی منصفانه (ازجمله نقض حقوق دفاعی اشخاص تحت نظر)، در زمره ضمانت اجرای دیگر محسوب می‌شود. پاسخ شخص تحت نظر به پرسش‌هایی که هم‌زمان با اجبار یا اکراه، کلمات موهن، تلقینی،

اغفال کننده و خارج از موضوع اتهام، حتی اگر متضمن اقرار باشد، بی اعتبار است. (ماده ۶۰ ق.آ.د.ک ۹۲) همچنین رعایت نکردن ضوابط در بازجویی ها توسط ضابط به شرح ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک ۹۲، موجب بی اعتباری بازجویی های انجام شده خواهد بود. در صورتی که ضابطان فاقد کارت ویژه مربوط به ضابطان باشد، تحقیقات و اقدام های صورت گرفته از ناحیه آنها از نظر قانون بدون اعتبار است (ماده ۳۰ ق.آ.د.ک ۹۲).

### نتیجه گیری

تحقیقات پلیسی و کشف جرم، نخستین و مهم ترین مرحله فرایند دادرسی کیفری است؛ زیرا تا جرمی کشف نشود چرخه عدالت کیفری به حرکت در نخواهد آمد و مجرم مجازات نخواهد شد. از طرف دیگر کشف نشدن جرم موجب تجری مجرم و دیگران خواهد شد. قانون آیین دادرسی جدید، با مبنا قرار دادن قوانین پیشین و تجارب داخلی از یکسو و الهام گرفتن از قوانین خارجی به ویژه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۵۹ فرانسه از سوی دیگر؛ حاوی نوآوری های بسیاری با رویکرد حقوق بشری در فرایند کیفری به خصوص تکالیف و اختیارات ضابطان است.

مأمورانی که برای نخستین بار در قانون به عنوان ضابط نظامی محسوب شده اند، نیز همانند سایر ضابطان قضایی، ملزم به رعایت تکالیف قانونی خود از قبی اعلام به موقع جرم، حفظ آثار و ادله وقوع جرم، اعلام و تفهیم حقوق متهم مانند حق داشتن وکیل، حق معاینه پزشکی، اعلام تحت نظر قرار گرفتن اشخاص به دادرسرا، اطلاع رسانی به خانواده یا آشنایان افراد تحت نظر و... هستند. نتیجه شناسایی تکالیف ضابطان و آموزش و رعایت آنها می تواند ضمن ارتقای رفتار حرفه ای ضابط، منجر به پویایی چرخه عدالت کیفری، همزمان با رعایت حقوق اشخاص و جامعه شود. این آشنایی (لزوم کسب آموزش) اگر تا دیروز یک وظیفه اخلاقی یا سازمانی بود، با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به عنوان یک وظیفه قانونی شناخته شده و قانون گذار، کسب آموزش را به عنوان یکی از شرایط تصدی ضابطیت می شناسد و ضمانت اجراهای کیفری، مدنی و انتظامی را برای اجرای تکالیف ضابطان پیش بینی کرده است.



## منابع

- خالقی، علی (۱۳۹۴)؛ *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، تهران: شهر دانش.
- دانش‌ناری، زهرا و کیوان زمردی (۱۳۹۶)؛ «تأملی بر تکالیف ضابطان دادگستری در پرتو مفهوم جهانی دادرسی عادلانه با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، *فصلنامه علمی- ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس*، سال هفتم، ش ۳۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)؛ *لغت‌نامهٔ دهخدا*، تهران، نشر مس.
- رجبی تاج‌امیر، ابراهیم و علی خالقی و محمدجعفر حبیب‌زاده (۱۳۹۶)؛ «مفاهیم نظری رعایت حق سکوت و دسترسی به وکیل در فرایند بازجویی ضابطان دادگستری»، *فصل‌نامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، شماره ۱۴، زمستان.
- زراعت، عباس (۱۳۸۶)؛ *قانون آیین دادرسی کیفری در نظم نوین کنونی*، تهران: میزان.
- صادق‌منش، جعفر (۱۳۹۷)؛ *ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها)*، تهران: قوه قضائیه مرکز مطبوعات و انتشارات.
- عباسلو، بختیار (۱۳۸۶)؛ «حدود اختیارات ضابطان دادگستری در جرائم مشهود»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال دوم، شماره دوم.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳)؛ «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن»، *رساله دکترا*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۵) «حقوق اشخاص تحت‌نظر در مرحله تحقیقات پلیسی در دادرسی کیفری»، *فصلنامه مطالعات حقوقی- انتظامی*، سال اول، ش ۳، زمستان.
- موسوی‌مقدم، محمد (۱۳۸۵)؛ «کشف جرم»، *مجله پیام آموزش*، شماره ۲۴.
- وروایی، اکبر و ساسان رضایی (۱۳۹۴)؛ «بررسی سیر تحول تاریخی ارزش اثباتی گزارش مأموران نیروی انتظامی در مقام ضابط»، *فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی*، شماره ۵، تابستان، ۹۴، صص: ۲۲-۱.

